منبع : تحف العقول ج۱ ص۱۶۲

ایمان، پایه ها و شاخه های آن

صبر

اشتیاق (الشَّوق)
هرکس که مشتاق بهشت شود شهوت های نفسانی را از یاد می برد (به آن بی توجهی خواهد کرد) - مَنِ اِشْتَاقَ إِلَى اَلْجَنَّةِ سَلاَ عَنِ اَلشَّهَوَاتِ

ترس (الشَّفَق)
کسی که از جهنم بترسد از چیز های حرام دوری می کند - مَنْ أَشْفَقَ مِنَ اَلنَّارِ رَجَعَ عَنِ اَلْحُرُمَاتِ

زهد
هرکس در دنیا زاهد باشد مصیبت ها و بلا ها بر او آسان می شود - مَنْ زَهِدَ فِي اَلدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ اَلْمُصِيبَاتُ

انتظار (التَّرَقُّب)
هرکس منتظر و مراقب مرگ باشد در انجام دادن کار های خیر شتاب می کند - مَنِ اِرْتَقَبَ اَلْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى اَلْخَيْرَاتِ

یقین (باور)

تیز هوشی (تَبْصِرَةِ اَلْفِطْنَةِ)
هرکس تیزهوشی کند به حقیقت می رسد - مَنْ تَبَصَّرَ فِي اَلْفِطْنَةِ تَأَوَّلَ اَلْحِكْمَةَ

رسیدن به حقیقت (تَأَوُّلِ اَلْحِكْمَةِ)
کسی که به حقیقت برسد، عبرت می گیرد - مَنْ تَأَوَّلَ اَلْحِكْمَةَ عَرَفَ اَلْعِبْرَةَ

عبرت گرفتن (مَوْعِظَةِ اَلْعِبْرَةِ)
هرکس عبرت را شناخت، سنت را می شناسد (احتمالا منظور آیین و راه روش پیامبران است) - مَنْ عَرَفَ اَلْعِبْرَةَ عَرَفَ اَلسُّنَّةَ

سنت و روش پیشینیان (سُنَّةِ اَلْأَوَّلِينَ)
هرکس سنت را بشناسد انگار با پیشینیان (پیامبران) زندگی کرده - مَنْ عَرَفَ اَلسُّنَّةَ فَكَأَنَّمَا عَاشَ فِي اَلْأَوَّلِينَ

عدل

فهم عمیق - غَائِصِ اَلْفَهْمِ
هر که خوب فهمید،همهٔ علوم را روشن و تشریح می کند - مَنْ فَهِمَ فَسَّرَ جَمِيعَ اَلْعِلْمِ

دانش عمیق - غَمْرَةِ اَلْعِلْمِ
کسی که حکم و وظیفه اش (شاید منظور دستور خداست) را شناخت گمراه نشد - مَنْ عَرَفَ اَلْحُكْمَ لَمْ يَضِلَّ

داوری صحیح و حکم - زَهْرَةِ اَلْحُكْمِ
هر کس بردباری کند کوتاهی نمی کند (در دستور خدا) و در میان مردم خوشنام زندگی می کند - مَنْ حَلُمَ لَمْ يُفَرِّطْ أَمْرَهُ وَ عَاشَ بِهِ فِي اَلنَّاسِ حَمِيداً

بردباری وسیع - رَوْضَةِ اَلْحِلْمِ

جهاد

سفارش به نیکی - اَلْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ
هر که سفارش به نیکی ها کند از مومن پشتیبانی کرده - مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ اَلْمُؤْمِنِ

بازداری از زشتی - اَلنَّهْيِ عَنِ اَلْمُنْكَر
آن کس که مردم را از زشتی بازداشت کافران را ذلیل و خوار کرده - مَنْ نَهَى عَنِ اَلْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ اَلْكَافِرِينَ

پایداری در میدان نبرد - اَلصِّدْقِ عِنْدَ اَلْمَوَاطِنِ
کسی که در میدان نبرد پایداری نمود ادای وظیفه کرده است - مَنْ صَدَقَ فِي اَلْمَوَاطِنِ قَضَى مَا عَلَيْهِ

دشمنی با فاسقان - شَنَآنِ اَلْفَاسِقِينَ
هر کس که با فاسقان دشمنی کند برای خدا خشم گرفته و هر که به خاطر خدا خشمگین گردد خدا نیز به خاطر او (بر دشمنانش) خشم می گیرد – مَنْ شَنَأَ اَلْفَاسِقِينَ غَضِبَ لِلَّه و مَنْ غَضِبَ لِلَّهِ غَضِبَ اَللَّهُ لَهُ